

ای تو که از نام تو مبارک عشق و نامم به نام تو مبارک عشق
عاشق خود را کس که بگوید که زود بگوید زود بام تو مبارک عشق
و الحق این معنی از خود هر کس که ماورا الهی و خلفا و صحابه ایشان
در سنه سهار سوار سوارم و طول اعمار اهل فقه ظاهر و مویلا
بهت چه عجز که صد مقرر نظر بر جمال مبارک کجی از آن
عزیزان افتد تا لایحط سعادت محبت در دست در دهانتان
از آن عزیزان نسبت بر واقع شود در خاطر خود نسبت
جمعی در یابد و در باطن خود معنی انجذالی ممالو کند که
بدستار یافت و مجاهدت میسر شود اندک در عهد در نظر
محبت آن عزیزان در یافت این نسبت است از هر که این
نسبت در یافتند بدرفت صحبت او شناختند و از هر که
در یابند این نسبت نشدند از صحبت او و بر تر یافتند
و از آن هاس قدسیه بی از آن عزیزان است این را با علی که
بر سبیل تزل و تبین آورد و میشود **رای** با هر که شنیده
شد جمع دلت و ز تو نمید ز محبت است کلت

رنهار

رنهار صحبتش که زان میباشد و ز فی کند روح عزیزان
بجکت **الحقنا الله سبحانه بالمصالحین و وقفنا للمصالحات**
وقال فرسین و لو غنوا من غنا نری قریمت عادات این
الروح و تفضل الجسم النسخ با شید آت از باع و م
نری خالی منال الانعاش بر خود است غیر نفی اعاید پند
مال است در دست سابق الالف در الودع و هم بدل
از وقتا الیه است ای عادات المالمیت روح و مشرک
میگوید اگر نباشند عیان رشی از آن باده بر خالی
منال کویا که جان داده هر آینه جان معارف است
به تشش باز کرد و تن از باهی افتاده پس مسالوت
جان در تنفاس و اجزای آید **ای عاشق** نتواند که
زمر بریزد حاصله تر که عشق انگیزد یک جود بجالی
هر که زان مرید بود جان در تشش آید از جود بر خیزد
لا اله الا الله حیات بر دو لوزیت یک حیات جسمی و روحی است
میام هر حیوانات از آن روید و در کرات حقیق روحانی

Copyrighted by Saqat University